

مکارم اخلاق اجتماعی

مکارم اخلاق، همان صفات زیبای اخلاقی و خوی های ارزشمند و پسندیده اند که مایه کرامت انسان و امتیاز او در میان سایر آفریدگان می باشد.

دانشمندان علم اخلاق، حدّ اعتدال قوای آدمی را ریشه مکارم اخلاق دانسته اند، و حدّ افراط و تفریط هر قوه را اصول اساسی اخلاق رذیله نامیده اند.

برای توضیح مطلب، نظر علمای اخلاق را در این زمینه به شرح زیر، یادآور می شویم:

بر اساس آموزه های علم اخلاق ، نفس انسان دارای چهار قوه به این شرح است:

قوه عاقله

قوه عامله

قوه شهویه

قوه غضبیه

قوه عاقله عبارت است از عقل نظری ، یعنی : خرد انسان از آنجهت که دانستنی ها را درک می کند.

قوّه عامله عبارت است از عقل عملی ، یعنی : خرد انسان از آنجهت که به بایدها و نبایدها حکم می کند.

قوّه شهویّه عبارت است از نیروی تمایلات انسان نسبت به آنچه موافق طبع اوست.

قوّه غضبیّه عبارت است از نیروی بازدارنده در انسان نسبت به آنچه مخالف طبع اوست.

هر یک از قوای چهار گانه ، دارای سه حالت : افراط ، تفریط و اعتدال هستند.

حالات سه گانه قوّه عاقله عبارتند از :

1. حالت افراط آن : "جُرْبُزَه" است ، یعنی : به کار بردن نیروی تفکّر و عقل در مسائل پیش پا افتاده و بدون نتیجه.

2. حالت تفریط آن : "بلاَهت" است ، یعنی : تعطیل کردن کارگاه فکر و اندیشه در مسائل مهم و ارزشمند.

3. حالت اعتدال آن : "حکمت" است ، یعنی به کار گرفتن عقل و خرد در مسائل ارزشمند و اجتناب از اندیشه در مسائل بی ارزش.

حالات سه گانه قوه عامله نیز بدین شرح است :

1. حالت افراط آن : "ظلم" است ، یعنی خارج شدن از حدّ و مرز انصاف در امور و ستم کردن بر خود یا دیگران.

2. حالت تفریط آن : "انظلام" است ، یعنی ظلم پذیری.

3. حالت اعتدال آن : "عدالت" است ، یعنی خود داری از ستم به خود و دیگران و خود داری از ظلم پذیری.

حالات سه گانه قوه شهویه عبارتند از :

1. حالت افراط آن : "شرّه" است ، یعنی زیاده روی در تمایلات نفسانی.

2. حالت تفریط آن : "خمود" است ، یعنی تعطیل کردن همه تمایلات به طور کلی ، اعمّ از حلال و حرام آن.

3. حالت اعتدال آن : "عَفَّت" است ، یعنی میانه روی در اجابت تمایلات موافق طبع و خود داری از تمایلات خلاف شرع و قانون.

حالات سه گانه قوه غضبیه نیز به شرح زیر است :

1. حالت افراط آن : "تَهَوَّر" است ، یعنی زیاده روی در به کار بردن قوه غضبیه و جرئت به خرج دادن در امور غیر ضروری و غیر عقلانی.

2. حالت تفریط آن : "جُبِن" است ، یعنی ترسو بودن و خود داری از نیروی دلاوری در موارد لازم و عقلایی.

3. حالت اعتدال آن : "شجاعت" است ، یعنی به کاربردن نیروی مذکور در موارد لازم از دیدگاه عقل و شرع ، و خود داری از آن در موارد غیر ضروری.

بنا بر این، ریشه مکارم اخلاق فاضله عبارتند از: فضیلت های "حکمت" در قوه عاقله ، و "عدالت" در قوه عامله ، و "عفت" در قوه شهویه ، و "شجاعت" در قوه غضبیه.

امام علی (ع) در خطبه متقین (معروف به خطبه همّام)، به اهمّیت اعتدال و میانه روی و به کار گرفتن نیروهای نفس در موارد

صحیح و لازم ، و خود داری از افراط و زیاده روی اشاره می فرماید
و صفات متّقین را بدین شرح بر می شمارد:

"مَنْطِقُهُمُ الصَّوَابُ ، وَ مَلْبَسُهُمُ الْاِقْتِصَادُ ، وَ مَشِيَّتُهُمُ التَّوَاضُّعُ . عَضُّوا
أَبْصَارَهُمْ عَمَّا حَرَّمَ اللهُ عَلَيْهِمْ ، وَ وَقَفُوا أَسْمَاعَهُمْ عَلَى الْعِلْمِ النَّافِعِ لَهُمْ".

یعنی : سخن آنان درست ، پوشاک آنان میانه روی ، و راه رفتن
آنان با تواضع و فروتنی است. دیدگان خود را از آنچه خداوند بر آنان
حرام کرده پوشانده ، و شنوایی خویش را وقف دانش سودمند
نموده اند.

به منظور بیان صفات فاضله که مکارم اخلاقند، و شرح ضدّ آنها که
اخلاق رذیله می باشند، حدیث زیبایی را از امام صادق علیه
السلام، از نظر شما می گذرانیم، که شیخ کلینی (رحمة الله
علیه) در جلد اول کتاب شریف اصول کافی، روایت نموده است.
در این حدیث، امام ششم (ع)، مکارم اخلاق را به عنوان جنود
عقل (یعنی: لشکریان خرد)، و رذائل اخلاقی را به عنوان جنود
جهل (یعنی: لشکریان نادانی) معرفی فرموده است.
مکارم اخلاق و رذائل اخلاق، از دیدگاه آن حضرت، عبارتند از:

الخیر و هو وزیر العقل ، و جعل ضده الشر و هو وزیر الجهل ، و الایمان
و ضده الکفر، و التصدیق و ضده الجحود، و الرجاء و ضده القنوط، و
العدل و ضده الجور، و الرضا و ضده السخط، و الشکر و ضده الکفران ،

و الطمع و ضده الياس ، و التوكل و ضده الحرص ، و الرافة و ضدها القسوة ، و الرحمة و ضدها الغضب ، و العلم و ضده الجهل ، و الفهم و ضده الحمق ، و العفة و ضدها التهتك ، و الزهد و ضده الرغبة ، و الرفق و ضده الخرق ، و الرهبة و ضدها الجراة ، و التواضع و ضده الكبر ، و التؤدة و ضدها التسرع ، و الحلم و ضده السفه ، و الصمت و ضده الهذر ، و الاستسلام و ضده الاستكبار ، و التسليم و ضده الشك ، و الصبر و ضده الجزع ، و الصفح و ضده الانتقام ، و الغنى و ضده الفقر ، و التذکر و ضده السهو ، و الحفظ و ضده النسيان ، و التعطف و ضده القطيعة ، و القنوع و ضده الحرص ، و المواساة و ضدها المنع ، و المودة و ضدها العداوة ، و الوفاء و ضده الغدر ، و الطاعة و ضدها المعصية ، و الخضوع و ضده التناول ، و السلامة و ضدها البلاء ، و الحب و ضده البغض ، و الصدق و ضده الكذب ، و الحق و ضده الباطل ، و الامانة و ضدها الخيانة ، و الاخلاص و ضده الشوب ، و الشهامة و ضدها البلادة ، و الفهم و ضده الغباوة ، و المعرفة و ضدها الانكار ، و المداراة و ضدها المكاشفة ، و سلامة الغيب و ضدها المماكرة ، و الكتمان و ضده الافشاء ، و الصلاة و ضدها الاضاعة ، و الصوم و ضده الافطار ، و الجهاد و ضده النكول ، و الحج و ضده نبذ الميثاق ، و صون الحديث و ضده النميمة ، و برّ الوالدين و ضده العقوق ، و الحقيقة و ضدها الرياء ، و المعروف و ضده المنكر ، و الستر و ضده التبرج ، و التقية و ضدها الاذاعة ، و الانصاف و ضده الحمية ، و التهيئة و ضدها البغى ، و النظافة و ضدها القذر ، و الحياء و ضدها الخلع ، و القصد و ضده العدوان ، و الراحة و ضدها التعب ، و السهولة و ضدها العسوبة ، و البركة و ضدها المحق ، و العافية و ضدها البلاء ، و القوام و ضده المكاثره ، و الحكمة و ضدها الهوى ، و الوقار و ضده الخفة ، و السعادة و ضدها الشقاوة ، و التوبه و ضدها الاصرار ، و الاستغفار و ضده الاعتزاز ، و المحافظة و ضدها التهاون ، و الدعاء و ضده الاستتكاف ، و النشاط و ضده الكسل ، و الفرح و ضده

الجزن ، و الالفة و ضدها الفرقة ، و السخاء و ضده البخل. و لا تجتمع هذه الخصال كلها من اجناد العقل ، الا فى نبى او وصى نبى او مؤ من امتحن الله قلبه للايمان و اما سائر ذلك من موالينا فان احدهم لا يخلو من ان يكون فيه بعض هذه الجنود حتى يستكمل و ينقى من جنود الجهل فعند ذلك يكون فى الدرجة العليا مع الانبياء و الاوصياء و انما يدرك ذلك بمعرفة العقل و جنوده و مجانية الجهل و جنوده ، و فقنا الله و اياكم لطاعته و مرضاته.

بر اساس اين روايت شريفه، مكارم اخلاق ، به صورت جداگانه، عبارتند از:

- 1 - نيكوكاري و خيرخواهي
- 2- ايمان به خدا و آرامش روح
- 3- تصديق حق و حقيقت
- 4- اميدواري به حق
- 5- عدل و داد
- 6- خوشنودى و خوشبينى
- 7- شكر و سپاسگزارى
- 8- آرزوي ترقى و تكامل
- 9- توكل به خدا
- 10- محبت و رحمت
- 11- علم و دانش
- 12- رأفت و شفقت
- 13- فهم و زيركى

- 14- عفت و پارسائي
- 15- زهد و دل شستن از دنيا
- 16- خوشخوئي و مدارا کردن
- 17- بيم و ترس از خدا
- 18- تواضع و فروتنی
- 19- سکینه و آرامش
- 20- حلم و حوصله
- 21- خاموشي و کم گوئي
- 22- پذیرش حق و عدالت
- 23- يقين
- 24- صبر و شکیبائي
- 25- عفو گذشت
- 26- غنا و چشم نداشتن به مال مردم
- 27- فطانت و آگاهی از امور
- 28- تذکر و یادآوری
- 29- عاطفه و مهربانی
- 30- قناعت و اندازه نگه داشتن
- 31- مواسات و کمک رسانی به دیگران
- 32- وفای به عهد و پیمان
- 33- فرمانبرداری و اطاعت الهی
- 34- خضوع و خشوع در پیشگاه الهی
- 35- سلامت نفس

- 36- محبت و مودت به یکدیگر
- 37- راستی و راستگویی
- 38- حق گوئی و حق خواهی
- 39- امانتداری و درستی
- 40- اخلاص در عمل
- 41- شهامت و شجاعت
- 42- دوستی و محبت به دیگران
- 43- زیرکی و خوش فهمی
- 44- مدارات و سازگاری
- 45- حفظ آبروی دیگران
- 46- نماز و نیایش به درگاه الهی
- 47- روزه و کم خوری
- 48- جهاد و کوشش در راه خدا
- 49- حج و اجابت دعوت خدا
- 50- راز داری و حرف دیگران نگهداشتن
- 51- حفظ حقوق پدر و مادر
- 52- با حق و حقیقت بودن
- 53- دعوت کردن به خیر و صلاح
- 54- حفظ و نگهداری خود از عمل ناپسند
- 55- تقیه و نگهداری عقیده از دشمن
- 56- انصاف و جوانمردی
- 57- خوش زبانی و خوش روئی

- 58- نطافت و پاکیزگی
- 59- حیاء و شرم
- 60- میانه روی و اقتصاد
- 61- سهولت و آسان گرفتن بر دیگران
- 62- برکت و توسعه در نعمت
- 63- عافیت و سلامتی
- 64- اتقان و محکمی کار
- 65- حکمت و صلاح اندیشی
- 66- آرامش نفس و وقار
- 67- سعادت و خوشبختی
- 68- توبه و پشیمانی
- 69- استغفار و طلب آمرزش
- 70- احتیاط و محافظه کاری
- 71- دعا و درخواست از خدا
- 72- خرمی و مسرت خاطر
- 73- خوشدلی و شادی
- 74- انس و الفت و درستی
- 75- سخاوت و بخشندگی

همچنین، رذائل اخلاقی که لشکریان جهل و نادانی هستند، از این قرارند:

- 1- شرارت و بدخواهي
- 2- كفر و پريشاني
- 3- انكار حق و حقيقت
- 4- نا اميدي از حق
- 5- ظلم و ستم
- 6- ناخرسندی و بدبيني
- 7- كفران نعمت
- 8- مأيوس بودن از ترقي و تكامل
- 9- حرص و آز به دنيا
- 10- بي مهري و نامهرباني
- 11- جهل و ناداني
- 12- شقاوت و قساوت
- 13- سفاهت و حماقت
- 14- بي حيايي و بي بندوباري
- 15- حب دنيا و دنياپرستي
- 16- بدخوئي و بدرفتاري
- 17- بي اعتنائي به فرمان خدا
- 18- تكبر و خودخواهي
- 19- اضطراب و تشويش
- 20- بي حوصلگي و برافروختگي
- 21- پرگوئي و پرحرفي
- 22- سرکشي از حق و عدالت

- 23- شک و تردید
- 24- جزع و بی تابي
- 25- انتقام جوئي و سختگیری
- 26- فقر و چشم داشت به مال مردم
- 27- کودني و ناآگاهی از امور
- 28- فراموشي و نسيان
- 29- بي علاقگی و نامهرباني
- 30- حرص و ولخرجی
- 31- منع کمک به دیگران
- 32- پیمان شکنی
- 33- نافرمانی و معصیت پروردگار
- 34- گردنکشی و بی اعتنایی به پروردگار
- 35- ماجراجویی
- 36- بغض و بدخواهی نسبت به یکدیگر
- 37- کژي و دروغگوئي
- 38- باطل گوئي و بیهوده طلبی
- 39- خیانت و نادرستی
- 40- ریاکاری در عمل
- 41- سستی و تنبلی
- 42- دشمنی و خصومت با دیگران
- 43- کندذهنی و نفهمی
- 44- ناسازگاری و آشوبگری

- 45- غیبت کردن و آبروریزی
- 46- بی نمازی و کناره گیری از خدا
- 47- پرخوری و شکم پرستی
- 48- فرار و گریز از جهاد در راه خدا
- 49- نرفتن به حج و بی اعتنائی به حق
- 50- سخن چینی و شایعه پراکنی
- 51- گرمی نداشتن والدین و حق شناسی به پدر و مادر
- 52- ریاکاری
- 53- دعوت کردن به بدی ها و زشتی ها
- 54- بی باکی و تظاهر به منکرات
- 55- اشاعه اسرار و بی پروائی
- 56- بی انصافی و ناجوانمردی
- 57- بد زبانی و درشتخوئی
- 58- پلیدی و آلودگی
- 59- بی حیائی و دریدگی
- 60- تجاوز از حد و اسراف و تبذیر
- 61- سختگیری با دیگران و صعوبت کار
- 62- بی برکت بودن و بی خیر بودن
- 63- بلا و گرفتاری
- 64- ظاهرسازی و سست کاری
- 65- بی حکمتی و بی فکری
- 66- ناآرامی و شتابزدگی

- 67- شقاوت و بدبختي
- 68- اصرار بر گناه و لاابالی گری
- 69- خودپسندی و تبرئه از گناه
- 70- بي احتیاطي و سبک مغزي
- 71- خود بزرگ بینی و بي اعتنائی به خدا
- 72- افسردگی و دلمرده بودن
- 73- غمناکی و اندوه و آزرده گي
- 74- تفرقه و دو رویی و دشمني
- 75- خسیس بودن و لئامت

این بود فشرده ای از مکارم و فضائل اخلاقی از یک سو، و همچنین نواقص و رذائل اخلاقی از سوی دیگر، که در تنظیم نظام روابط اجتماعی در میان مردم، و تضمین سعادت و یا شقاوت افراد اجتماع، نقش اساسی دارند.
